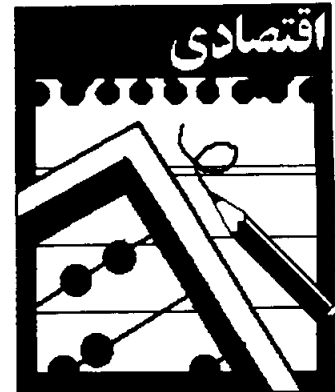


# «گات» و شرایط جدید اقتصاد جهان



امور خارجه، صنایع سنگین و امور اقتصادی و دارائی پاره‌ای محافل را در این باور که بین سفر «روهه» با زمینه‌سازی برای پیوستن ایران به گات ارتباطی وجود داشته است، استوارتر کرد.

در پی این رویدادها توجه محافل اقتصادی و علمی کشور به روند جدیدی که پس از امضای این موافقت‌نامه بر روابط تجاری و نظام اقتصادی جهان حاکم خواهد شد، معطوف گردید. اظهار نظرهای گوناگونی که در این باره ارائه شده نشانگر این واقعیت است که جهان در آستانه ورود به دوره جدید و ناشناخته‌ای از معادلات اقتصادی، و لاجرم سیاسی، است.

## «گات» از گذشته تا حال

آن چه امروز به «گات» موسوم شده حاصل نیم قرن مذاکره و چانه زدن قدرت‌های بزرگ اقتصادی و صنعتی بر سر سهم خود از بازارهای فروش جهان است. اگرچه سابقه واقعی این چانه زدن به دهه سی میلادی باز می‌گردد، ولی نخستین مذاکرات از یک دور گفتگوهای طولانی رسمی که به امضای موافقت‌نامه مورد بحث در آذرماه گذشته انجامید در سال ۱۹۴۷ آغاز شد.

در اکتبر این سال نمایندگان ۲۳ کشور غربی در ژنو طرح اولیه موافقت‌نامه «GATT» را که مخفف کلمات انگلیسی General Agreement on Tariffs and Trade است به امضاء رساندند، اما چهل و پنج سال طول کشید تا این موافقت‌نامه یک توافق جهانی شود و ۱۱۷ کشور جهان به اجرای آن متعهد شوند.

(گفتنی است که قرار است در آینده عنوان گات به «وی تسو W.T.O» مخفف کلمات انگلیسی Word Tred Organization و به معنای سازمان تجارت جهانی

تغییر یابد)

اما دلایل این تأخیر طولانی چه بوده است؟ اگر قرار باشد دلایل این تأخیر در چند جمله تشریح شود باید گفت: از آن جا که هدف هر یک از مدافعان این موافقت‌نامه کسب منافع و امتیازات بیشتری از بازارهای جهانی بوده، هر کدام به دلایل خاص خود از پذیرش شرایط مورد انتظار دیگری طفره می‌رفته‌است.

در صف اول مدافعان «گات» که آن را باید کوششی در راه استقرار حاکمیت بلامنازع سرمایه‌داری بین‌المللی دانست آمریکا و انگلیس قرار داشته و دارند.

این دو کشور، و بویژه آمریکا، همواره خواهان این بوده‌اند که همه دروازه‌ها به روی محصولات صنعتی و کشاورزی و خدماتی آن‌ها گشوده باشد.

تحقق چنین امری طبعاً با منافع دیگر قدرت‌های مالی، صنعتی و کشاورزی، بویژه در سطح اروپا تعارض داشته، و هم اکنون نیز دارد. کشورهایی چون ژاپن، آلمان، فرانسه و ایتالیا اگر دروازه‌های خود را به روی محصولات صنعتی و کشاورزی دیگران بی‌مانع و رادع می‌گشودند (و یا اکنون بگشایند)، و به سرمایه‌داری جهانی اجازه می‌دادند (و یا بدهند) در بازارهای آن‌ها حضور بلامنازع داشته باشد، می‌باید با آرمان‌های ملی و منافع منطقه‌ای خود که افزایش تولید ملی، حفظ سطح اشتغال و روند توسعه است وداع می‌کردند.

بدین لحاظ نه فقط فرانسه دوران دوگل، بلکه بیشتر کشورهای صنعتی جهان همواره در برابر تصویب نهایی موافقت‌نامه گات مقاومت می‌کردند و در راه به ثمر رسیدن آن سنگ می‌انداختند.

## دلایل حصول به توافق

با توجه به این که هم اکنون اروپا

و ژاپن با بحران اقتصادی، موج فزاینده بیکاری و رکود صنعتی مواجه هستند، این سنوآل مطرح می‌شود که چرا کشورهای که ۴۵ سال در برابر این موافقت‌نامه جهان شمول مقاومت کرده‌اند، اینک، و در این شرایط بحرانی، بر آن صحنه گذاشته‌اند؟

پاسخ به این سؤال را باید دقیقاً در شرایط اقتصادی آمریکا جستجو کرد.

اگر تا دیروز صنایع اروپا و ژاپن رقیب مصنوعات آمریکا بودند، اینک کشورهای چون کره جنوبی، تایوان، چین و حتی سنگاپور و اندونزی به جرگه کشورهای صادرکننده کالاهای صنعتی پیوسته‌اند و شرایطی فراهم آمده که باعث شده تجارت جهانی آمریکا به نازل‌ترین سطح برسد و کسری تراز پرداخت‌های آن نیز به میزان بی‌سابقه‌ای افزایش یابد.

فشارهایی که از دوره ریاست جمهوری ریگان به ژاپن و دیگر کشورهای صنعتی برای گشودن بازارهایشان بر روی کالاهای صنعتی و کشاورزی آمریکا، و حذف موانع گمرکی موجود بر سر راه این کالاها اعمال می‌شد، مؤید بحران رو به اوجی بود که سرمایه‌داری آمریکا نمی‌توانست برای همیشه آن را تاب آورد.

از طرف دیگر تمکین قدرت‌های صنعتی در مقابل درخواست‌های آمریکا مساوی بود با نزول تولیدات صنعتی یا کشاورزی خود آن‌ها، و در نتیجه بروز رکود اقتصادی شدید، افزایش بیکاری و نهایتاً فراهم آمدن زمینه تنش‌های اجتماعی و سیاسی.

بسیاری از اقتصاددانان واقع‌بین بر این باور بودند که اگر متحدان آمریکا به توافقی برای تحقق بخشیدن به حداقلی از انتظارات این کشور نائل نشوند ایالات متحده مبادرت به اقدامات تلافی‌جویانه حادی خواهد کرد. گروهی از این

سرانجام نمایندگان ۱۱۷ کشور جهان - منجمله آمریکا، ژاپن و کشورهای اروپائی - روز ۲۴ آذرماه گذشته قرارداد مربوط به موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت «گات» را امضا کردند. اندکی بعد از این توافق، نماینده ایران در ژنو با پیتر ساترلند مدیرکل «گات» ملاقات کرد و تمایل جمهوری اسلامی ایران را برای پیوستن به دیگر کشورهای امضاکننده موافقت‌نامه به اطلاع وی رساند.

اواخر دی‌ماه سفر «ژان شارل روهه» دبیرکل اتاق بازرگانی بین‌المللی به تهران و ملاقات‌هایی که با شخصیت‌های سیاسی و اقتصادی کشور داشت، این احتمال را که ایران می‌کوشد به این موافقت‌نامه ملحق شود، قوت بخشد. گرچه خود «روهه» این فرض را که دلیل سفرش به ایران بررسی شرایط پیوستن کشور به «گات» بوده، رد کرد، اما ملاقات‌های وی با وزرای بازرگانی، صنایع،

# «گات» می خواهد سرمایه را «جهان وطن» کند

اقتصاددانان حتی سلاح مورد استفاده آمریکا در این تلافی جوئی را نیز مشخص کرده بودند: نفت آمریکا نه فقط خود صاحب ذخایر عظیم نفتی است، بلکه کمپانی های نفتی آن نیز کنترل بخش وسیعی از ذخایر نفتی خاورمیانه و دیگر مناطق جهان را در دست دارند (عربستان سعودی، کویت و...)

افزایش قیمت نفت در کل اقتصاد آمریکا تأثیر چندان منفی و درازمدتی برجای نمی گذاشت، اما سبب می شد یک قیمت پایه در تولیدات صنعتی و کشاورزی قدرت های رقیب آمریکا، یعنی نفت، به میزان فلج کننده ای افزایش یابد. افزایش قیمت انرژی برای کشورهای چون ژاپن، آلمان و فرانسه که از لحاظ تأمین نفت گاهی صد در صد وابسته به خارج هستند سبب افزایش قیمت تمام شده تولیدات صنعتی و کشاورزی آنها، و لاجرم از دست دادن توان رقابت با کالاهای آمریکائی (با کالاهای کشورهای که سرمایه داری آمریکا در صنایع و کشاورزی آنها منافع عمده دارد) می شد.

## امتیاز به نفع کشاورزی آمریکا

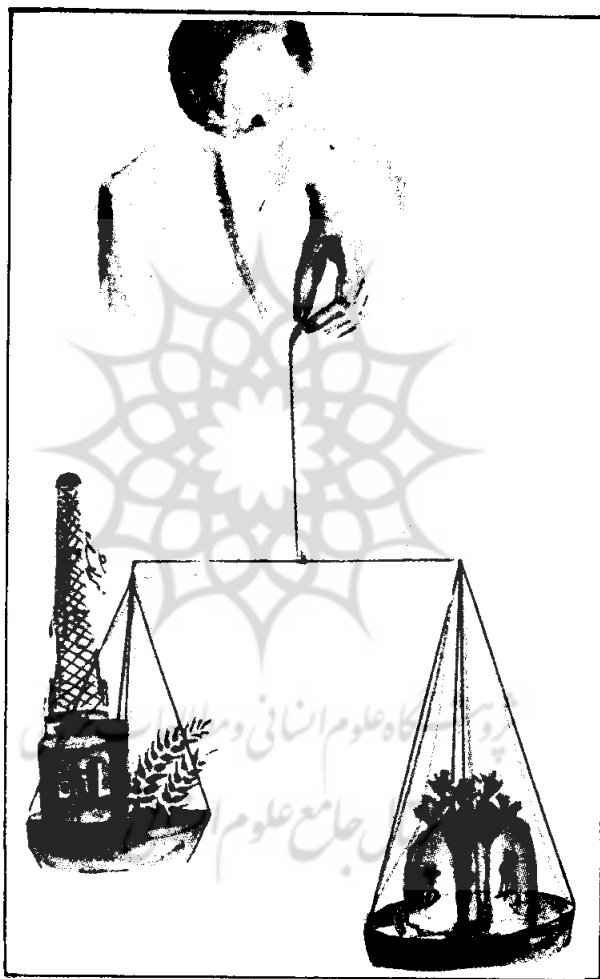
شگفت انگیز آن که تا یک ماه قبل از امضای موافقت نامه «گات» کشورهایی چون فرانسه و ژاپن در برابر آن مستقیم، یا غیرمستقیم مقاومت می کردند.

و شگفت انگیزتر آن که این موافقت نامه حول و حوش زمانی امضاء شد که تشکیل «اروپای متحد» مراحل نهائی خود را طی کرد و این اتحادیه عظیم اروپائی رسماً پا به عرصه وجود گذاشت.

و سرانجام نکته قابل توجه این که اندکی پس از امضای موافقت نامه نهائی «گات» ژاپن که سالها در برابر تشکیل یک بازار مشترک در جنوب شرقی آسیا و ترش کرده بود، برای اولین بار به حضور فعال در چنین

بازاری اظهار تمایل کرد. یک نکته ظریف در «گات» را باید در همین امور جستجو کرد. یکی از اصول «گات» (اصل ۲۴) صراحت دارد کشورهایی که در قالب اتحادیه های گمرکی یا تجارت منطقه ای و با مناطق آزاد تجاری حضور دارند، و در مبادلات فیما بین

موافقت نامه گات را بر صنایع و کشاورزی خود ختنی خواهند کرد، بلکه اقبال اخیر تعدادی از این کشورها برای حضور در این قبیل اتحادیه ها مؤید آن است که رقبای صنعتی آمریکا بهر حال راهی برای ختنی کردن تأثیرات منفی اجرای این موافقت نامه بر صنعت (و حتی بر



خود از لحاظ تعرفه ها و مقررات گمرکی برای یکدیگر تسهیلاتی قائل می شوند، از شمول اصول گات معاف هستند.

نه فقط عقیده گروهی از اقتصاددانان بر این است که کشورهای صنعتی با استفاده از همین اصل، عوارض ناشی از اجرای

بخشی از کشاورزی) خود خواهند یافت.

در این میان، امتیازی که به آمریکا داده شده در بخش کشاورزی و خدمات (و بیشتر در بخش کشاورزی) است.

موافقت نامه گات تأکید بر حذف سوبسید از کشاورزی دارد و این در

شرایطی است که کشاورزی بیشتر کشورهای عقب مانده، در حال توسعه و حتی تعدادی از کشورهای پیشرفته (نظیر ژاپن و فرانسه) فقط با اتکا به سوبسیدهای دریافتی از دولت ها و نیز وجود تعرفه های سنگین قادر به ایستادگی در برابر محصولات کشاورزی آمریکاست.

ساختار کشاورزی آمریکا که بر تولید مکانیزه در مقیاس وسیع استوار است آن را واجد این «مزیت اقتصادی» کرده که بدون برخورداری از سوبسید قابل توجهی بتواند با تولیدات کشورهای دیگر از لحاظ قیمت رقابت کند. بدین ترتیب با:

الف - حذف موانع گمرکی

ب - ممنوعیت دولتهای عضو پیمان از پرداخت سوبسید به بخش کشاورزی خود

تولیدات کشاورزی آمریکا در آینده از یک بازار وسیع برخوردار خواهد بود. و شاید بر همین اساس بوده که یک ساعت پس از انعقاد موافقت نامه «گات» بیل کلینتون رئیس جمهوری آمریکا در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: قرارداد جدید «گات» تا سال ۲۰۰۰ سالانه ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد دلار برای اقتصاد آمریکا منافع خواهد داشت.

مطالعین اقتصادی می دانند که گنجانیدن شرایط تجارت محصولات کشاورزی در این موافقت نامه اقدام جدیدی است که با پیگیری آمریکا عملی شده است، آمریکائی که در سال ۹۲ بیش از ۳۰ میلیارد دلار در تراز تجارت محصولات کشاورزی مازاد داشت، در حالی که کل تراز تجارت خارجی آن بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار کسری نشان می داد.

در واقع قدرتهای صنعتی با دادن امتیاز در زمینه کشاورزی به آمریکا، این کشور را از دست زدن به اقدامی که تولیدات صنعتی و بازارهای آنان به خطر اندازد، منصرف کردند.

## جهان شمولی سرمایه

اما تنها در کشاورزی نیست که

# اگر «گات» تصویب نمی‌شد، آمریکا تلافی می‌کرد

درصد و از نظر حجم معادل ۲۱ درصد تقلیل یابد.  
● فقیرترین کشورهای جهان از اصلاحات کشاورزی معاف خواهند بود (ولی در این قرارداد اشاره‌ای به کشورهای در حال توسعه

موافقت‌نامه «گات» بر اقتصاد کلی جهان، و اقتصاد کشورهای در حال توسعه و عقب‌مانده مستلزم مطالعه و بررسی کارشناسانه متن ۵۵۰ صفحه‌ای آن است که در این مختصر مقدر نیست، لذا در این جا فقط به تعدادی از سرفصل‌های آن اشاره می‌شود.

به موجب این موافقت‌نامه کشورهای امضاءکننده متعهد شده‌اند تعرفه‌های مربوط به کالاهای صنعتی و کشاورزی را به میزان ۳۷ درصد کاهش دهند.

● گرچه آمریکا و اروپا توافق کرده‌اند از تعرفه‌های میان خود معادل پنجاه درصد بکاهند ولی هنوز موفق به رفع اختلافاتشان در مورد تولیدات سمعی و بصری، خدمات مالی و کشتی‌رانی نشده‌اند و ایالات متحده حق رد دست‌یابی دیگر کشورها به بازار خدمات مالی خود را محفوظ نگه داشته است.

● تمامی موانع غیرتعرفه‌یی کشاورزی (مانند ممنوعیت واردات) به موانع تعرفه‌یی تبدیل می‌شود و کشورهای صنعتی می‌باید ۳۶ درصد، و کشورهای در حال توسعه تا ۲۴ درصد تعرفه‌ها را کاهش دهند.  
● در این قرارداد آمده است تقلیل تعرفه‌ها توسط کشورهای غنی در مدت ۶ سال و توسط کشورهای در حال توسعه در مدت ده سال عملی خواهد شد و کشورهای که دارای بازار بسته هستند (مانند ژاپن و کره جنوبی) مکلفند حداقل سه درصد مصرف داخلی خود را از کالای مشخص «برنج» وارد کرده و آن را در مدت شش سال به ۵ درصد افزایش دهند.

● میزان حمایت‌های تجاری از کشاورزان طی شش سال در کشورهای صنعتی بیست درصد، و در کشورهای در حال توسعه ۱۳/۳ درصد کاهش یابد.

سوبسید صادرات می‌باید طی شش سال از لحاظ ارزش معادل ۳۶

آمریکامنافع سرشار جدیدی را جستجو می‌کند.

اصول دیگری از «گات» صراحت دارد که سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای عضو نباید با هیچ محدودیت و مانعی مواجه شود. شرکت‌های خارجی در هر یک از کشورهای از همان امتیازاتی برخوردارند که شرکت‌های محلی دارند، و به همان چشمی به آن‌ها نگریسته می‌شود که به شرکت‌های محلی...

از زمان کندی به بعد یک جهت‌گیری عمده اقتصاد آمریکا بر سرمایه‌گذاری این کشور در مناطق مختلف جهان، به ویژه مناطقی که از لحاظ منافع آمریکا اولویت دارند - مبتنی بوده است.

«گات» مطلوب‌ترین شرایط را از این لحاظ برای سرمایه‌داری بین‌المللی آمریکا که در قالب کمپانی‌های چند ملیتی و فراملیتی شکل گرفته است، فراهم می‌آورد.

ممالک صنعتی جهان سالهاست این هجوم سرمایه‌داری آمریکا را تجربه کرده‌اند و برای مقابله با آن تجارب لازم را آموخته‌اند و چنین است که اروپای متحد تشکیل می‌شود، و ژاپن خود به صورت یک ابرقدرت صنعتی درمی‌آید.

بدین جهت تردید نباید کرد که مقصد سرمایه‌داری بین‌المللی کشورهای در حال توسعه و عقب‌مانده است.

پیش‌بینی روزگاری که سرمایه‌داری بین‌المللی و شرکت‌های چند ملیتی در زمینه‌هایی چون صنعت، بانکداری، بیمه و حمل و نقل از همان مزایا و امتیازاتی برخوردار باشند که به شرکت‌ها و سرمایه‌های ملی در کشورهای در حال توسعه و عقب افتاده تعلق می‌گیرد، چندان دشوار نیست.

## مروری بر اصول گات

گمانه‌زنی در مورد نتایج اجرای

## «گات» به سود چه

مدافعان «گات» تصویب این پیمان را کوششی اساسی در جهت بهبود روابط تجاری بین کشورهای جهان می‌دانند. اما آیا واقعا «گات» تجارت همه کشورهای جهان را به سوی توسعه و شکوفائی رهنمون خواهد شد؟  
نگاهی به شرایط حاکم بر مبادلات جهانی راه را برای یافتن این پاسخ تا حدودی هموار می‌کند:  
در کتاب «کنفرانس بین‌المللی محیط زیست در ریو» نوشته آقای احمد لوسانی آمده است:

«تقریباً همه کشورهای وابسته به سازمان همکاری اقتصادی و توسعه از یک سیاست افزایش حقوق گمرکی برای کشورهای فقیر بهره می‌کنند: کالاهای ساخته شده نظیر تولیدات نساجی، کفش و مواد غذایی صادراتی از کشورهای جنوب را با گرفتن مالیاتهای گمرکی محدود می‌کنند تا اینکه در رقابت با کالاهای داخلی این کشورها امکان رقابت را از آن‌ها بگیرند و هم از محصولات داخلی خود حمایت کرده باشند. علاوه بر این، تحت عنوان کنترل کیفیت و کمیت و سایر محدودیتهای دیگر تجارتي موانع اساسی برای ورود کالاهای تمام شده کشورهای جنوب، به وجود می‌آورند. این اقدام کشورهای وابسته به سازمان همکاری و توسعه باعث شده است که مثلاً از گانا یا جزایر ساحل عاج فقط کاکائو به جای شکلات به اروپا صادر شود و قهوه در بنا در «روتدام» و «برمن» به صورتی که مورد مصرف قرار می‌گیرد درمی‌آید و بسته‌بندی می‌شود، به جای اینکه این امر در کلمبیا انجام گیرد...»  
«کشورهای صنعتی، راه ورود کالاهای تمام شده کشورهای دنیای سوم را بسته‌اند. به این ترتیب زنجیره تولیدات تمام شده که بیشترین سود را عاید کشورهای توسعه نیافته می‌کند، مسدود شده است و اقتصاددانان بانک جهانی حدس می‌زنند که هر ساله کشورهای توسعه نیافته، به دلیل مذکور ۵۵ میلیارد دلار از دست می‌دهند»  
این یک وجه از روابط حاکم بر تجارت جهانی است. وجه دیگر را به نقل از مجله «اشپینگل» بررسی می‌کنیم. این مجله در شماره ۱۸ ماه مه سال ۱۹۹۲ خود نوشته است:

اسامی کشورهای فقیر نشده است) ● سهمیه‌های واردات منسوجات و پوشاک تحت ترکیبات الیاف چندگانه از سال ۱۹۹۴ طی ده سال به تدریج حذف خواهد شد ولی

# کشاورزی آمریکا از «گات» سود خواهد برد

● تا سال ۲۰۰۱ باید کلیه محدودیتهای مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی در میان کشورهای عضو گات از میان برود و جریان سرمایه در این کشورها از

راتوجیه کند این است که ۱۱۷ کشور به آن پیوسته‌اند و لذا باقیمانده کشورهای جهان هم اگر بخواهند در تجارت دنیای آینده سهمی داشته باشند باید به مقررات این

کشورهای صنعتی و ثروتمند را در این زمینه قبلاً تشریح کردیم. می‌ماند انگیزه بقیه کشورها...

کشورهای چون چین به دلیل جنبه‌های نیرومند صنعتی و اقتصادی خود، و کشورهای چون تایوان و کره جنوبی به سبب وابستگی تنگاتنگ اقتصاد و سرمایه‌داری آنها به اقتصاد و سرمایه‌داری بین‌المللی به این موافقت‌نامه پیوسته‌اند. کشوری چون پاکستان به این انگیزه که بالاترین محصول صادراتی آن (یعنی پارچه) از مقررات «گات» سود خواهد برد پیوستن به آن را به صلاح خود تشخیص داده است. ممالکی نظیر تایلند، اروگوئه، استرالیا، برزیل، کانادا، شیلی و آرژانتین که صادرکننده محصولات کشاورزی هستند نیز از مقررات مربوط به بخش کشاورزی در «گات» سود خواهند برد، و لذا به آن پیوسته‌اند.

تعدادی از کشورها نیز فقط به دلایلی چون وابسته بودن قدرت‌های سیاسی و اقتصادی آنها به سرمایه‌داری بین‌المللی و کشورهای نیرومندی چون آمریکا، به این پیمان وابسته شده‌اند.

امادر هر حال، ظاهراً مقررات «گات» در آینده، و لاقلاً برای دوره‌ای، حاکم بر تجارت جهانی خواهد بود.

پیوستن ایران به «گات» در درجه اول منوط به تغییر یک سلسله از قوانین آمره، و از جمله اصولی از قانون اساسی است. این اصول همان‌هایی هستند که سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را منع کرده‌اند، و یا واگذاری خدمات، صنایع و رشته‌هایی از امور اقتصادی را به بخش خصوصی (چه داخلی و چه خارجی) ممنوع دانسته‌اند.

جز این، بسیاری از قوانین عادی ناظر بر صنایع، کشاورزی، تجارت، واردات و صادرات کشور مغایر با اصولی است که «گات» آنها را

شرط عضویت کشورها قرار داده است.

بنابراین ضرورت نخست برای عضویت ایران در «گات» تغییر دادن این قوانین، و منطبق کردن آنها با اصول «گات» است.

از این گذشته، باید دید آیا عضویت در «گات» برای ما منافی دارد؟ و اگر دارد این منافع در کدام بخش هانفته است؟

بررسی بازرگانی خارجی کشور نشان می‌دهد که در چند دهه اخیر میزان واردات ما (اعم از کالای مصرفی یا واسطه‌ای و یا سرمایه‌ای) اغلب با میزان صادرات نفت متناسب بوده، یعنی هرگاه درآمد ارزی نفت افزایش یافته، بر میزان واردات نیز افزوده شده است، همچنین هیچگاه صادرات غیرنفتی کشور بخصوص کالاهای صنعتی با واردات از حیث وزن و ارزش توازن نداشته است.

براساس آماري که گمرک ایران اخیراً منتشر کرده در سال ۱۳۷۱ نزدیک به ۳۱ میلیون تن کالا به ارزش حدود ۲۹ میلیارد دلار از ۱۲۰ کشور جهان وارد ایران شده است. بیشترین واردات از کشورهای آلمان، ژاپن و ایتالیا بوده، ضمن آن که در همین سال ۵۳ میلیارد و ۷۰۴ میلیون ریال کالا از آمریکا وارد کشور شده است.

واردات کالا از کشورهای آلمان، ژاپن و ایتالیا در سال ۱۳۷۱ به ترتیب ۴۹۲ میلیارد و ۴۱۵ میلیون و ۴۷۵ هزار و ۲۴۱ ریال، ۲۴۰ میلیارد و ۸۲۳ میلیون و ۹۴۲ هزار و ۶۷۳ ریال، و ۱۸۹ میلیارد و ۸۷۵ میلیون و ۷۸۲ هزار و ۵۴۲ ریال بوده است.

از مجموع واردات ۲۷ درصد کالای سرمایه‌ای، ۶۰ درصد واسطه‌ای و ۱۳ درصد کالاهای مصرفی بوده است. این آمار همچنین در مورد حجم صادرات غیرنفتی کشور در سال مذکور حاکی از آن است که مجموع کالاهای صادراتی غیرنفتی کشور معادل ۲/۸ میلیارد

## کشورهایی است؟

«تا آغاز سال ۱۹۸۲ بدهی کشورهای عقب افتاده، بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار بود، یک تله مالی، که از آن زمان تمام این کشورها به فساد کشیده شدند، حکومت‌های بدهکار که تحت فشار سودهای پرداختی هستند، مجبورند که کالاهای اندک صادراتی خود را به هر قیمتی بفروشند و برای به دست آوردن ارز بیشتر بی‌محابا، منابع طبیعی را بدون مرز استخراج کنند»

این بخشی از شرایط حاکم بر اقتصاد جهان و روابط تجاری کشورهای صنعتی با کشورهای در حال توسعه و عقب مانده است، یک بخش دیگر را باید در اوضاع اقتصادی همین کشورهای صنعتی جستجو کرد.

حفظ رفاه کنونی در این جوامع منوط به افزایش مداوم تولید، و فروش این تولیدات به جهان خارج است.

از سوی دیگر، تقریباً تمامی جوامع صنعتی هم اینک با بحران اقتصادی عمیقی دست به گریبان هستند و خروج از این بحران میسر نیست مگر با تشدید روند تهیه مواد اولیه هر چه ارزاتر، و فروختن کالاهای ساخته شده به قیمت هر چه گرانتر.

جدی‌ترین مناقشاتی که بین پاره‌ای از کشورها پیرامون این پیمان جریان داشته و دارد، مربوط به همان کشورهای صنعتی است. مثلاً مقاومت فرانسه در برابر این پیمان از آن جا ناشی می‌شود که علاوه بر بازارهای کالاهای صنعتی، این کشور کشاورزی خود را در رقابت با محصولات کشاورزی آمریکا آسیب‌پذیر می‌بیند.

خلاصه کلام این که پیمان گات به زعم عده‌ای از کارشناسان مالی و اقتصادی دور جدیدی است که طی آن قدرت‌های صنعتی و مالی خواهند کوشید با استفاده از ابزارهایی که این پیمان در اختیارشان می‌گذارد به تثبیت وضع اقتصاد خود از طریق دستیابی به بازارهای جدید و فروش کالای هر چه بیشتر، نایل آیند.

کمتر کسی است که با تفکر حاکم بر سران کشورهای صنعتی آشنا باشد و در «پیمان گات» وجود منافی برای کشورهای در حال توسعه و عقب مانده را تأیید کند.

آزادی مطلق برخوردار باشد. موافقت‌نامه کردن نهند.

گرچه این استدلال منطقی به نظر می‌رسد، اما باید در نظر داشت که عضویت همه کشورهای در «گات» دلایل یکسانی نداشته است. انگیزه

ایران و «گات»

شاید قوی‌ترین استدلالی که می‌تواند لزوم الحاق ایران به «گات»

## اقتصادی

# کشورهای صنعتی، اتحادیه‌های منطقه‌ای را در برابر «گات» سپر خواهند کرد

دلار بوده است.

عمده‌ترین کالای صادراتی غیرنفتی فرش دستباف بوده که رقم آن حدود یک میلیارد دلار برآورد شده است. بخشی دیگر از صادرات کالاهای غیرنفتی اختصاص به صدور فرآورده‌های کشاورزی و مواد اولیه معدنی دارد. در میان کالاهای صادراتی اقلامی هم از تولیدات صنعتی وجود داشته که دلایل زیر امکان صدور آن‌ها را فراهم کرده است:

۱- تفاوت قیمت ارز

۲- حمایت تعرفه‌ای

۳- پایین بودن سطح دستمزد

همانطور که اشاره شد صرفنظر از اینکه رقم صادرات صنعتی ما در کل صادرات، و در مقایسه با حجم واردات بسیار کم است، ما با این واقعیت هم روبه‌رو هستیم که اگر صنایع داخلی از مزیت‌های موجود برخوردار نباشد، در رقابت با کالاهای صنعتی خارجی قطعاً دچار مشکلات جدی و حتمی خواهیم شد.

همچنین می‌باید به تکنولوژی نیز دقت و توجه داشت. چون یکی از مزیت‌های کالاهای خارجی، هم از لحاظ کیفیت و هم از نظر هزینه تمام شده، بر خوردری از تکنولوژی پیشرفته است، لذا تا دستیابی ما به این تکنولوژی که نیازمند زمان و منابع گسترده‌ای است، حضور و پیوستن به قرارداد «گات» از لحاظ بخش صنعت احتیاج به تعمقی بیشتر و فراهم ساختن زمینه‌های مناسب و لازم دارد.

## کشاورزی ما و «گات»

فرآورده‌های کشاورزی و دامی (غلات، حبوبات، صیفی‌جات، خشکبار، گیاهان دارویی، سبزیجات، میوه‌های تازه، فرش، پشم، خاویار، پوست و سالامبور) از گذشته‌های دور جزو اقلام صادرات غیرنفتی ما بوده و هنوز هم هست.

برای پی بردن به شرایطی که این محصولات و نیز محصولات صنعتی ما در برخورد با مقررات «گات» احتمالاً با آن مواجه خواهند شد، ذکر تاریخچه‌ای فشرده از روابط ایران با بازار مشترک اروپا خالی از فایده نیست.

اندکی پس از تشکیل بازار مشترک اروپا مذاکراتی از سوی ایران با مقامات این بازار آغاز شد تا کالای صنعتی و سنتی کشور به این بازار راه یابد، ولی سالهای متمادی، فقط فرآورده‌های دامی و کشاورزی ما (پشم، پوست، سالامبور، خشکبار، فرش، گیاهان دارویی و خاویار) توسط اعضای این بازار خریداری می‌شد آن هم به دلایل خاصی مثل مرغوبیت تقریباً انحصاری (در مورد فرش - سالامبور و خاویار) و یا ارزانی در مقایسه با تولیدات مشابه کشورهای دیگر.

اما کالای صنعتی ما با توجه به نوع و کیفیت آنها، به ویژه استاندارد مورد قبول این کشورها حتی اواخر نیمه اول دهه ۱۳۵۰ نیز نتوانست در بازار مشترک اروپا جای پائی پیدا کند. در واقع تولیدات صنعتی ایران قادر نبود با کالای دیگر کشورها رقابت کرده، و بازار فروش قابل توجهی به دست آورد و منابع صادرات غیرنفتی را تقویت کند.

به نظر می‌رسد در مقطع کنونی نیز ما در برابر موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت - «گات» - با وضع مشابهی مواجه هستیم و همانند دهه پنجاه فقط برای صدور فرآورده‌های کشاورزی و دامی شانس داریم (البته اگر در تحولات آینده همین صادرات سنتی هم از لحاظ کیفیت و قیمت توان رقابت با محصولات دیگر کشورها را داشته باشند).

وزیر کشاورزی نیز بعد از انعقاد موافقت‌نامه «گات» گفته است تولید اغلب محصولات باغبانی سردسیری، سبزیجات و صیفی‌جات درایران مزیت نسبی دارد و به راحتی

می‌تواند بازارهای صادراتی مناسبی را در جهان داشته باشد. اما می‌باید تغییراتی در نظام کشت ایجاد کرد و میزان تولید محصولات استراتژیک مثل گندم، برنج و شکر را به میزان مصرف داخلی رساند، زیرا ایران در صادرات محصولات یاد شده مزیت تولیدی و صادراتی ندارد، بلکه خود واردکننده این محصولات نیز هست.

## بررسی پیشینه ارتباط ایران با «گات»

برخلاف پندار عمومی، ایران با «گات» از سال‌ها پیش در ارتباط بوده است. سابقه این ارتباط به قبل از وقوع انقلاب اسلامی، و به رژیم گذشته بر می‌گردد. در آن دوران یک نماینده از سوی دولت وقت به عنوان ناظر در جلسات «گات» شرکت می‌کرد.

در مرداد سال ۷۰ نیز هیأت وزیران وزارت بازرگانی را مأمور کرد تبعات پیوستن ایران به «گات» را در کمیته‌یی مرکب از نمایندگان آن وزارتخانه و وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و امور خارجه و نیز سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی مورد بررسی قرار دهد.

این کمیته ۷ ماه بعد (اسفند سال ۷۰) اعلام کرد می‌توان تقاضای الحاق ایران به «گات» را به دبیرخانه آن تسلیم کرد. وزارت بازرگانی در مورد این الحاق یک نظر تکمیلی داشت مبنی بر این که بهتر است درخواست الحاق پس از پایان مذاکرات دوراورگونه تسلیم شود و باید شرایطی را رعایت کرد که چنین تقاضایی مستلزم پذیرش تعهدات بیشتری برای ایران نباشد.

در مرداد سال ۷۱ نیز وزارت امورخارجه به مقام ریاست جمهوری کشور اعلام کرد، با توجه به عضویت رو به تزاید کشورها در «گات» تحولات نظام نوین تجارت جهانی، اصلاحات اقتصادی و پولی و مالی و تجاری جاری در داخله کشور

و دلایل دیگری از این دست، مصلحت آن است که برای عضویت ایران در «گات» اقدام می‌شود. در همان ماه (مرداد ۷۱) موافقت ریاست جمهوری با این پیشنهاد رسماً ابلاغ شد و در پی همین موافقت یک ماه بعد آقای سیروس نصری (نماینده ایران در ژنو)، و در دیماه همانسال آقای عادل رئیس کل بانک مرکزی، با مدیرکل «گات» ملاقات کردند و تمایل ایران را برای پیوستن به این موافقتنامه به اطلاع او رساندند.

در همان دیماه ۷۱ مشاور مدیرکل و مدیر بخش تعرفه‌های «گات» نیز به تهران آمدند و ضمن ملاقات‌هایی با مدیران سازمانهای ذریبط ایران، پیوستن کشورمان را به «گات» مورد بحث و گفتگو قرار دادند.

در ماههای آغازین سال جاری وزارت بازرگانی گزارش جدیدی در مورد پیوستن ایران به «گات» به هیأت دولت تسلیم کرد که هیأت دولت نیز پس از بررسی آن تصویب کرد عضویت در «گات» به پایان یافتن مذاکرات در اروگونه موکول شود.

## مروری بر یک گزارش داخلی

یک گزارش رسمی داخلی در مورد دیدگاههای فعلی ایران در مورد «گات» حاوی نکات قابل توجه زیر است:

۱- اطلاعات وزارتخانه‌ها و سازمانهای ذریبط جمهوری اسلامی ایران پیرامون «گات» و عملکرد و مباحث مطروحه در دور اروگونه بسیار محدود و ناکافی است.

۲- بررسی و تحقیق دقیق کمی در خصوص مزایا و مضار عضویت در «گات» و تبعات احتمالی آن بر بخش‌های صنایع، کشاورزی، خدمات، واردات، صادرات و غیره صورت پذیرفته است.

۳- علاوه بر پیش‌بینی دقیق تبعات عضویت احتمالی جمهوری

# بررسی تبعات پیوستن ایران به «گات» آغاز شده است

۴. تهیه گزارش جامع پیرامون سیاست تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران جهت تسلیم به دبیرخانه گات.

۵. شناسایی موانع سیاسی و قانونی الحاق به گات.

۶. رایزنی‌های سیاسی با کشورهای عضو جهت استخراج نظر و جلب حمایت آنان در صورت درخواست رسمی برای الحاق به گات.

۷. تدوین نقطه‌نظرات جمهوری اسلامی ایران برای درج در پروتکل الحاقی در صورت ارائه درخواست رسمی عضویت.

## فقط ۵ سال

لازم است یادآوری شود ایران مانند همه کشورهای دیگر که تاکنون به عنوان «ناظر» در مذاکرات «گات» حضور می‌یافتند می‌توانست با پرداخت سالانه ۱۵۰۰ فرانک سوئیس علاوه بر شرکت در جلسات این سازمان اسناد و انتشارات آن را نیز دریافت کند ولی شورای «گات» در خرداد سال جاری تصمیمات جدیدی به شرح زیر برای کشورهای ناظری چون ایران اتخاذ کرد:

الف - مدت حضور کشورهای ناظر از جمله جمهوری اسلامی را به ۵ سال محدود کرد. پس از این تاریخ کشورهای مزبور یا باید عضو «گات» شوند و یا دلایل عدم عضویت خود را تشریح کنند.

ب - کشورهای ناظر نیز مانند اعضا باید گزارش سیاست تجاری خارجی خود و تحولات آن را به «گات» ارائه دهند.

ج - سالانه نیز بودجه‌یی به عنوان کمک داوطلبانه به «گات» بپردازند.



اسلامی ایران در «گات» می‌بایستی شیوه‌ها و سیاست‌های مناسب جهت کاهش تبعات منفی عضویت بر اقتصاد کشور را جستجو نمود. آگاهی به این نکات از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا می‌توان از گروه کاری خواست در پروتکل الحاقی که تنظیم خواهند نمود (پروتکل برای هر کشور با کشور دیگر متفاوت می‌باشد) ضمن گنجاندن کلیه استثنائاتی که برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده مهلت‌های لازم نیز برای تطبیق وضع تجاری ما با مقررات «گات» تعیین گردد.

۴- سازمانهای تجاری بین‌المللی امکانات فنی - تخصصی فراوانی را در اختیار دارند که با هماهنگی لازم به خوبی می‌توان از آنها برای افزایش اطلاع و آگاهی کارشناسان کشور در این زمینه بهره جست.

همین گزارش سپس پیشنهاد تشکیل یک کمیته را به دولت ارائه کرده و متذکر شده است که:

کمیته‌یی تحت عنوان «کمیته ملی بررسی عضویت در گات» متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های صنایع سنگین، صنایع، بازرگانی، کشاورزی، امور اقتصادی و دارایی، امور خارجه و سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی، مرکز توسعه صادرات، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و گمرک ایران تشکیل گردد.

وظایف این کمیته می‌تواند شامل موارد ذیل باشد:

۱- بررسی و هماهنگی در خصوص بهره‌برداری از امکانات فنی - تخصصی سازمانهای تجاری بین‌المللی.

۲- بررسی دقیق مزایا و مضار عضویت در گات و تبعات احتمالی آن بر بخش‌های مختلف اقتصادی کشور.

۳- پیشنهاد شیوه‌ها و سیاست‌های مناسب جهت کاهش تبعات منفی ناشی از عضویت.